

خون دلی که لعل شد

کمال‌سیستانی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ با نام‌های بزرگی پیوند خورده است که نه تنها حکم رهبر که مصداق جان فدا را هم داشته‌اند. جان فدایانی که سال‌ها برای بارها و بارها رنج زندان‌های ساواک را به تن می‌خریده و شکنجه‌ها، توهین‌ها و تحقیرهای بسیار را تاب می‌آورده‌اند. یکی از این بزرگان، آیت‌ا...العظمی سیدعلی خامنه‌ای است که حالا بیش از ۵۳دهه است، رهبری این انقلاب را برعهده‌دار دارند. خاطرات ایشان از تجربه‌شش‌باره زندان‌های ساواک گویای فدakarی مبارزان انقلاب است که بخشی از آن در سطرهای پیش‌رو آمده است. خواننده این روایت باشید.

زندان اول: ۲۰خرداد ۱۳۴۲خورشیدی

مکان: بیرجند / مدت زندان:۱۰روز

ساواک پس از حادثه خونین ۱۵ خرداد، رهبر معظم انقلاب را به اتهام تحریک مردم علیه امنیت کشور و اظهار مطالب خلاف واقعیت درمنبر مساجد، ازبیرجند به مشهد آورده، تحویل بازداشتگاه نظامی می‌دهد که ایشان برای ۱۰روز در آنجا زندانی‌وسپس تیرئه‌می‌شوند. ماجرای این نخستین زندانی شدن نیز از این قرار است: سال ۱۳۴۲ آیت‌ا...العظمی سیدعلی خامنه‌ای که در این سال تنها ۲۴بهار از عمرشان را پشت سر گذاشته بودنداز طرف امام خمینی^(۵) مأمور می‌شوند.دست‌خط ایشان را به مشهد آورده و تحویل علمای شهر بدهند. رهبر معظم انقلاب در خاطراتشان از این روزها که مصادف با ماه محرم بوده، چنین گفته‌اند: «امام از من خواستند که به مشهد بروم و یک پیام برای آقای میلانی، آقای قمی و پیام دیگری برای علمای مشهد ببرم. پیام امام^(۶) برای آقای میلانی و قمی این بود که از روز هفتم محرم در منبرها روضه فیضیه(ماجرای حمله به مدرسه فیضیه قم) را بخوانند و از روز نهم همه دسته‌های سینه‌زنی و هیئت‌ها این برنامه را اجرا کنند».

رهبر معظم انقلاب پس از انجام مأموریت خود، روز دوم محرم برای تبلیغ به شهر بیرجند می‌روند و در مدرسه طلاب علوم دینی مستقر می‌شوند. ولی پس از سخنرانی‌های روشنگرانه خود که تا نهم محرم ادامه پیدا می‌کند، بازداشت و به شهربانی مشهد منتقل می‌شوند. در خاطرات رهبر معظم انقلاب که به نقل از مرکز اسناد انقلاب اسلامی بیان شده، چنین آمده است: «صبح پس از نماز، مشغول تعقیبات بودم که یک‌دیم یک نفر وارد اتاق شد؛ چون مدرسه در و پیکر و قفل و بستی نداشت و افراد متفرقه راحت وارد می‌شدند، خطاب به من گفت: بفرمایید شهربانی. گفتم: شما مأمورید که حکم را به من ابلاغ کنید یا مرا جلب کنید؟ گفت: مأمور جلب شما هستم. من بی‌درنگ دورکت نماز استخاره خواندم و صد مرتبه «استخیرا... بر حمته خیره در عافیه» را در راه که با مأمور می‌رفتم، خواندم. [...] وقتی با مأمور به راه می‌افتم، آن‌هایی که در آن اتاق با من بودند، خیلی متأثر و متقلب شدند، لیکن من ابدان نترسیدم. با اینکه باوراولی بود که دستگیر می‌شدم اصلا برای من ترس و وحشتی در کار نبود.

در روزهای دهه فجر امسال قصد داریم از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۱خورشیدی روایت رویدادهای انقلاب مشهد را در سه فصل (خیزش، قیام و پیروزی) از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ در هفت قسمت روایت کنیم. با ما همراه باشید.

مرضیه ترابی

سال ۱۳۴۳ در حالی آغاز شد که رژیم شاه از موفقیت خود در سرکوب انقلابیون مطمئن بود. اسدا... علم در این سال از نخست‌وزیری کنار رفت و به وزارت دربار رسید و جای خودش را به حسنعلی منصور داد تا تکنوکرات‌های آمریکایی بتوانند اهداف مورد نظر کاخ سفید را در ایران اجرا کنند. حسنعلی منصور، از همان ابتدا فعالیت،پایش را در یک کشش کرد تا بتواند لایحه قضاوت کنسولی را در مجلس شورای ملی تصویب کند، لایحه‌ای که با نام فرنگی‌اش، «کاپیتولاسیون» شناخته می‌شد و رسماً استقلال دستگاه قضایی ایران را زیر سؤال می‌برد، مستشاران آمریکایی و وابستگانشان، در صورت ارتکاب هر جرم و جنایتی در ایران، از تعقیب مصون بودند و باید رسیدگی به جرم آن‌ها در آمریکا انجام می‌شد. تصویب این قانون، یک افتضاح تاریخی برای مجلس شورای ملی بود تا آنجا که برخی از نمایندگان آن مجلس که عموماً به صورت فرمایشی وکیل شده بودند، به بهانه‌های گوناگون، از حضور در جلسه رأی گیری فرار کردند. امام خمینی^(۵) به این مصوبه اعتراض کرد، سخنرانی تاریخی ایشان در چهارم آبان ۱۳۴۳ به جمله معروف «ای سران اسلام! به داد اسلام برسید، مویّی از اعتراض را در ایران به وجود آورد، نتیجه این اعتراض، بازداشت امام خمینی^(۶) در سحرگاه روز ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ و تبعید فوری او به ترکیه بود. در مشهد خبر بازداشت و تبعید امام خمینی^(۷) باعث شد که علما

روایت مختصری درباره رهبر معظم انقلاب و ماجرای شش مرتبه دستگیری ایشان توسط ساواک



تصویری از رهبر معظم انقلاب در تبعید (ایران‌شهر، دهه ۵۰

زندان دوم: بهمن ۱۳۴۲خورشیدی

مکان: زاهدان / مدت زندان: دو ماه(سلول انفرادی)

رهبر معظم انقلاب در ادامه فعالیت‌های مبارزاتی خود، بهمن(رمضان) ۱۳۴۲ راهی کرمان می‌شوند تا پس از دیدار و گفت‌وگو با علمای این شهر و سخنرانی بر منبر مساجد این شهر، عازم زاهدان شوند. پیش از این در ۲۷ دی ماه، در قم و در یکی از نشست‌های همگانی علما و طلاب، شرکت کنندگان تصمیم می‌گیرند، هر یک برای زنده نگه‌داشتن یاد ۱۵ خرداد و نهضت امام^(۶) به شهرهای مختلف بروند و به مردم بگویند، در نیمه نخست سال چه اتفاقاتی رخ داده است: «من در آن جلسه اظهار کردم هر کجا که بگویید، حاضر بروم. کسی گفت، زاهدان.

گفتم حرفی ندارم، می‌روم زاهدان.»

در زاهدان، سخنرانی‌ها و افشاگری‌های پرشور ایشان، به‌ویژه در روز ششم بهمن (سالگرد همه‌پرسی انقلاب سفید) با استقبال مردم روم‌به‌رو می‌شود. در روز پانزدهم رمضان هم که مصادف با میلاد امام حسن^(۷) بود، صراحت و شجاعت ایشان در افشاگری سیاست‌های شیطانی رژیم پهلوی، به اوج می‌رسد، آن چنان که ساواک ناچار می‌شود ایشان را شبانه دستگیر و با هواپیما روانه تهران کند. آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای، حدود دو ماه به صورت انفرادی، در زندان قزل قلعه زندانی و شکنجه می‌شوند. ایشان در روایت خاطراتشان از این دوران می‌گویند: «اذیت زبانی و تضییع و اهانت‌های خیلی بد[کردند]، حرف‌های خیلی زشت آنجا زدند که من یادم نمی‌رود. [جزئیات آن را نمی‌خواهم... بگویم. برخورد خیلی تندی کردند... نه اینکه وحشت کنم بترسم، اما احساس تنهایی کردم؛ واقعا احساس کردم هیچ کس نیست که به من کمک کند و پناه بدم به خدا.» ایشان پس از این مدت دوباره تیرئه شدند و به مشهد بازگشتند.

زندان سوم: ۱۴ فروردین ۱۳۴۶

مکان: مشهد / مدت زندان: ۵۲ روز(سلول انفرادی)

انتشارات سپیده که اوایل سال ۱۳۴۴ با هیئت مدیره‌ای متشکل از آیت ا...العظمی خامنه‌ای، محسن محسنیان، حاج کاظم تدین، ابراهیم شایسته، حاج عبدالرضا غنیان و چند نفر دیگر ایجاد شده بود، هم‌زمان با انتشار چهارمین کتاب خود که «آینده در قلمرو اسلام» نام داشت، تعطیل و رهبر معظم انقلاب به بهانه انتشار این اثر سید قطب دستگیر می‌شوند. اما همه ماجرا این نیست. اسناد می‌گویند، در واقع اقدامات انقلابی ایشان که از چشم ساواک دور نمانده بود، دلیلی می‌شود تا آنان انتشار این کتاب را بهانه قرار دهند و ایشان را برای ۵۲ روز در بازداشت انفرادی، بدون ملاقات با هیچ فردی، در زندان لشکر مشهد، نگه دارند. پس از این مدت، ایشان به سه ماه زندان محکوم و با سپردن وجه الکفاله‌ای به مبلغ یکصد هزار ریال در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۴۶ مرخص می‌شوند.

زندان چهارم: مهر ۱۳۴۹

مکان: مشهد / مدت زندان: سه ماه و بیست روز

پس از آزادی سوم، ساواک خراسان به چند دلیل در یافتن ایشان ناکام می‌ماند، نخست تغییر مکان ایشان است. رهبر معظم انقلاب اوایل بهار ۱۳۴۹ به خانه‌ای قدیمی در همسایگی سیدعلی طاهایی، از خیران مشهد، نقل مکان می‌کنند و وقتی می‌بینند در معرض دستگیری هستند، زندگی مخفیانه‌ای پیش می‌گیرند و در اخمد مشغول ترجمه کتاب «صلح الحسن» می‌شوند. اما پس از مدتی به مشهد بازمی‌گردند. شیخان(رئیس ساواک خراسان) وقتی از حضور رهبر معظم انقلاب در مشهد باخبر می‌شود، محمود غضنفری(معروف به مرد هزار چهره ساواک) را مأمور دستگیری ایشان می‌کند. انتهای که شیخان برای دستگیری چهارم درنظر می‌گیرد، تبلیغ برای امام خمینی^(۶) و اشاعه خبر شهادت آیت‌ا... سید محمدرضا سعیدی در زندان از سوی ساواک است که البته پس از بازجویی، اتهامات دیگری همچون اعتراف به حمایت و ارادت نسبت به امام خمینی^(۷) نیز به آن‌ها اضافه می‌شود.

زندان پنجم: ۴ مهرماه ۱۳۵۰

مکان: تهران / مدت زندان: یک ماه و هجده روز

در آستانه برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی، ساواک مأمور سرکوب مبارزان انقلابی و منتقدان هر رژیم طاغوتی می‌شود. برای همین و به قصد پیشگیری، ساواک افراد سابقه‌دار در اقدام علیه حکومت را تحت نظر قرار می‌دهد. یکی از این افراد، آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای است که چهارم مهرماه ۱۳۵۰ یعنی شانزده روز مانده به افتتاح جشن‌ها، بازداشت و به انفرادی برده می‌شوند. ایشان در توصیف پنجمین تجربه زندانی شدن خود چنین گفته‌اند: «تا آن روز اتفاقی به آن کوچکی ندیده بودم. به شکل مربع و هر ضلع آن یک متر و نیم طول داشت. هیچ منفذ و روزنه‌ای نداشت. تاریکی مطلق بر همه جای آن سایه افکنده بود. ساکن آن از دیدن نور محروم بود، مگر در سلول باز می‌شد یا نگهبان پاییکی از مسئولان زندان می‌خواست از پنجره کوچک روی در با زندانی صحبت کند.» آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای سرانجام از این اسارت نیز در تاریخ ۲۲ آبان، با تعهد به خارج نشدن از محدوده حوزه قضایی و تبدیل قرار بازداشت به پنجاه هزار ریال جزای نقدی، رهایی می‌یابند.

زندان ششم: ۲۰ دی‌ماه ۱۳۵۳

مکان: تهران / مدت زندان: یک‌ماه(سلول انفرادی)

ساواک آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای را دی‌ماه ۱۳۵۳ از مشهد خارج و به کمیته مشترک ضد خرابکاری تهران منتقل می‌کند. دلیل دستگیری ششم، اما سخنرانی‌های بی‌پروای ایشان در قالب تفسیر قرآن بر منبر مسجد کرامت و مسجد امام حسن مجتبی^(۷) در مشهد است. این دوره که مدت‌ترین دوره زندانی حضرت آقااست در خاطرات ایشان چنین توصیف شده است: «روزهای سختی را در سلول سپری کردم که گرانی آن‌ها را جز کسانی که طمع آن را چشیده‌اند، درک نمی‌کنند... شکنجه روحی و جسمی، غذای روزان و شبان ما بود. فریاد زندانیان در زیر شکنجه گوش را می‌خراشید و در بعضی از شب‌ها تا صبح ادامه داده داشت. شبیه شکنجه گران نیز بسیار حساب شده و ماهرانه بود. همه چیز در این زندان، خرد کردن روحیه و شخصیت زندانی را هدف گرفته بود.»



دراُورد، کتابی که به دنبال نشان دادن حقیقت اسلام به جوانان بود. از سوی دیگر، سخنرانی‌های حجت الاسلام هاشمی‌نژاد در منازل برخی بزرگان و متدینان مشهد، مانند «حاجی مقدسی» ادامه یافت. حجت الاسلام‌والمسلمین هاشمی‌نژاد به دلیل ممنوع‌المنبر شدن، سخت می‌توانست در مساجد و حسینیه‌ها سخنرانی کند و به همین دلیل، جلسات سخنرانی او بیشتر در منازل شخصی برگزار می‌شد. این وضعیت درباره دیگر روحانیون انقلابی هم برقرار بود. آیت‌ا... سید محمدرضا سعیدی را که از طلاب نابغه مشهد و از شاگردان امام خمینی^(۶) بود- به دلیل جانب‌داری از نهضت اسلامی بازداشت کردند و اوزیر شکنجه‌مأموران ساواک، شب ۲۱ خرداد سال ۱۳۴۹ به شهادت رسید.

● مسجد، دانشگاه مشهد و ...

مشهد طی سال‌های آخر دهه ۱۳۴۰ و نیمه نخست دهه ۱۳۵۰ روزهای سختی را از سر گذراند، با این حال، مقاومت همچنان بر بستر افزایش آگاهی و فعالیت‌های علمی در جریان بود. از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰، دکتر علی شریعتی به عنوان استادیار گروه تاریخ دانشگاه مشهد، منصوب و کلاس‌های اوبه کانونی برای میباحثات دانشجویی تبدیل شد که بعدها، خودش عامل شکل گرفتن یک موج تازه در دانشگاه‌های سراسر کشور بود. در حوزه‌های علمیه هم، فعالیت‌های علمی علمای انقلابی، بیش از گذشته ادامه داشت. سخنرانی‌ها و مباحث تفسیری آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای در

مساجد

انقلابی

مشهد

پایگاه انقلاب مشهد

نگاهی به نقش مسجد کرامت در برنامه‌ریزی مبارزات انقلاب اسلامی



زهرا بیات

سال ۱۳۳۷ خورشیدی برخی از اعضای اصلی «انجمن پیروان قرآن» با انتشار بیانیه‌ای از این انجمن مذهبی (سیاسی) مشهد کناره‌گیری کردند. گروه جدا شده به‌ویژه دو نفرشان- عبدالرضا غنیان و ابوالحسن سررشته‌دار - با تشویق محمود کرامت توانستند منزل او را در سال ۱۳۴۴ به مسجد تبدیل کنند. مسجدی که نام کرامت را بر خود می‌گیرد و پس از چند سال حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ عضو ثابت دارد. بنیان مسجد سال ۱۳۵۲ با دعوت از رهبر معظم انقلاب که آن زمان از روحانیان جوان و خوشنام مشهد است، او را به‌عنوان امام جماعت مسجد کرامت انتخاب می‌کنند. حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی خامنه‌ای در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷ به همراه محمدرضا محامی، عباس واعظ طوسی و عبدالکریم هاشمی‌نژاد از روحانیان انقلابی مشهد محسوب می‌شود. با پذیرش این مسئولیت به‌وسیله حجت الاسلام و المسلمین خامنه‌ای، فعالیت منشعبان از «انجمن پیروان قرآن» بیشتر رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد. این گونه است که ایشان در این مسجد، در قالب تفسیر، حدیث و سخنرانی، به تبلیغ اندیشه‌های انقلابی می‌پردازد. به همین واسطه در روزهای انقلاب سال ۱۳۵۷ بسیاری از نشست‌های فعالان انقلاب برای هماهنگی کارها و برنامه راهپیمایی‌ها در همین مکان برگزار می‌شود. این نقش اما از پاییز این سال و هم‌زمان با بازگشت رهبر معظم انقلاب از تبعید بیش از پیش پررنگ می‌شود. پاییز ۱۳۵۷ فصل راهپیمایی و تظاهرات روزانه است. شدت گرفتن مبارزات مردم و بازگشت حجت الاسلام و المسلمین خامنه‌ای از تبعید همه چیز را فراهم می‌کند تا «مسجد کرامت» دوباره به قلب مبارزات مشهد تبدیل شود.

مسجد کرامت و مثلث خامنه‌ای، هاشمی‌نژاد و واعظ طوسی و شاگردانشان، مدیریت میدانی فعالیت‌های انقلابی مشهد را بر عهده دارند و جمععات اقشار مختلف مردم با هماهنگی و سخنرانی آن‌ها هدایت می‌شود. اقدامات و فعالیت‌های آن‌ها نیز با هماهنگی دو عالم انقلابی مشهد یعنی آیت‌ا... سیدعده... شیرازی و آیت‌ا... سیدحسن قمی انجام می‌شود.

● ستادی که در مسجد کرامت تشکیل شد

رهبر معظم انقلاب درباره آن روزها می‌گویند: «یک ستادی تشکیل شد در مسجد کرامت برای هدایت کارهای مشهد و مبارزات... در آنجا جمع می‌شدیم و مردم هم در رفت‌وآمد دائمی بودند و آنجا شد ستاد کارهای مشهد و عجیب این است که نظامی‌ها و پلیس از چهارراه نادری - که مسجد هم سر چهارراه بود - از هیجان مردم جرت نمی‌کردند این طرف‌تر بیایند، لذا ما توی این مسجد روز را با امنیت می‌گذرانیدیم و هیچ واهمه‌ای نداشتیم که بریزند این مسجد را تصرف کنند یا ماها را بگیرند، ولیکن شب که می‌شد آهسته‌از تاریکی شب استفاده می‌کردیم و می‌آمدیم بیرون و به منزلی غیر از منازل خودمان می‌رفتیم، هر چند نفری شب را یک‌جا می‌ماندیم. خیلی شب و روزهای پرهیجان و پرشوری بود.»

● مسجدی ملو از جمعیت

تجمعات و راهپیمایی‌ها همچنان ادامه می‌یابد. حجت الاسلام و المسلمین خامنه‌ای و دیگر روحانی‌های انقلابی هر روز در یک گوشه از شهر برای مردم سخنرانی، و راهپیمایی‌ها و تجمعات را هدایت می‌کنند؛ یک روز در بیمارستان امام رضا^(۷)، روز دیگر در ورزشگاه سعدآباد، اما هیچ‌جا، جای مسجد کرامت را نمی‌گیرد، این مسجد حکم پایگاه اصلی هماهنگی‌های انقلاب را دارد. ملک حاج محمود کرامت حالا حسابی شلوغ شده است و در آن جای سوزن انداختن نیست. رهبر معظم انقلاب، این دوره را این چنین روایت می‌کنند: «بنده در مسجد کرامت مشهد نماز می‌خواندم، منبر می‌رفتم و سخنرانی می‌کردم بعد از نماز. البته منبر نمی‌رفتم همان کنار منبر می‌ایستادم و صحبت می‌کردم. آن جمعیت در مساجد مشهد نظیر نداشت. حتی پدر خودم ده ۵۰ سال در مسجد دیگری نماز می‌خواندند، بعد از نماز می‌آمدند برای اینکه صحبت من را گوش کنند، حتی نماز ما و دیگر اجتماعات بعد از آنکه صحبت ده برابر اجتماع دیگر مساجد معروف و معتبر مشهد بود. جمعیت از در و دیوار-واقعا از در و دیوار- می‌آمدند که در مسجد کرامت نماز بخوانند و به حرف‌های ما گوش کنند.»

● تیراندازی در حرم؛ شروع یک جریان تازه

حادثه ۲۹ آبان ماه و تقارن آن با محرم همان سال، برگ دیگری از مبارزات را رو می‌کند. در این روز در حرم مطهر امام رضا^(۷) نیز در میان مأموران و تعدادی از مردم درگیری رخ می‌دهد و طی آن، مأموران داخل حرم اقدام به تیراندازی می‌کنند و برخی نقاط حرم بر اثر آن آسیب می‌بیند. خبر این اتفاق به سرعت در شهر می‌پیچد و احساسات مردم را جریحه‌دار می‌کند. در نتیجه گروه مستقر در مسجد کرامت هم که بعد از برنامه‌ریزی همه تجمعات را بر عهده دارد، راهپیمایی‌هایی را در محدوده چهارراه شهدا تا حرم مطهر برنامه‌ریزی می‌کند. آن چنان که رهبر معظم انقلاب به یاد دارند «راهپیمایی‌ها هر روز از اطراف مدرسه نواب و مسجد کرامت شروع می‌شد... هر پارچه‌نوشته‌ای را دو نفر در دست می‌گرفتند و پشت آن انبوهی از مردم ... [حرکت می‌کرد]. در پایان راهپیمایی‌ها، من، آقای طوسی و آقای هاشمی‌نژاد سخنرانی می‌کردیم، گاهی یکی‌مان گاهی هم دو نفر از ما سه نفر. سخن‌هایی که آن روزها بر زبان جاری می‌شد، خودم را مبهوت می‌کرد. [انگار] هر چیزی از اراده ما خارج است، فضا یا همچنان تا شب عاشورا و مراسم خطبه خوانی ایشان در حرم رضوی ادامه پیدا می‌کند. درست پس از این مراسم است که تمامی نشانه‌های رژیم و مجسمه‌های سلطه بر جمع جوری و تکه‌تکه می‌شوند. مجسمه میدان شهدا هم به وسیله مردم تا جلوی مسجد کرامت، حمل و آنجا به آتش کشیده می‌شود! و این یعنی سقوط رژیم.

مسجد کرامت چه به لحاظ موقعیت خاص مکانی‌اش در نزدیکی پایگاه اصلی مبارزات در محدوده حرم مطهر، بیت آیت‌ا... شیرازی، پایگاه جمعیت پایداری و... و هم به لحاظ حضور و فعالیت بزرگانی چون رهبر معظم انقلاب، واعظ طوسی و هاشمی‌نژاد در تمام طول مبارزه پایگاه و جایگاهی برای برنامه‌ریزی حرکت‌های مردمی است. این مسجد پس از انقلاب نیز تا زمان تشکیل و سروسامان گرفتن نهادهای دولتی در مشهد همچنان سکان انقلاب را در دست دارد.

منبع گزارش

نخست:

کتاب‌های

مشهد از

مقاومت تا

مشهد در

پیروزی و

نقش علمای

مشهد در

انقلاب

اسلامی ایران،

اسناد مرکز

اطلاعات

ثبت شده در

سایت

و گفتگوهای

اهدای...،

بهبودی